

# نافر جامی نوژه

رضا بسطامی، راحله مظاهری جوهری

تجدیدات داخلی و نوظهورهای درون مرزی نه تنها کم‌اهمیت‌تر از هجمه‌های خارجی نیستند بلکه به‌خاطر وجود عناصری همچون تشبیه، تفرقه، خزلدگی و نوسان‌دوین اغلب خطرناک‌تر و مهلک‌تر هستند. حرکت‌های خارجی بر اندازه عظیم و سهمناک باشند، فاقد مسرووعیت و بیگانه تلقی می‌شوند و لذا از قابلیت تأثیرگذاری چندانی بر روحیه ملی برخوردار نیستند و حتی به نفیوت آن می‌انجامد. بنابراین بی‌دلیل و معنی نخواهد بود اگر تفرقه‌اندازی در نهضت مسرووعه را از مستقیمان ایران و روس زین‌ساز بر و نودهای ۲۸ سردان را از تبحر نظامی شورویون ۱۳۲۶ توسط بیگانگان مغرب‌بر نسبت‌کنیم. از این رو، آنچه در طول تاریخ انقلاب اسلامی حمله‌ها و تهدیدات گوناگونی در قالب جنگ، ترور و ... توطئه نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته، اما از این مسائل گوناگون نافر جامی بودن سازمان یافته‌ترین و پرخطرترین حربه حیوانت‌ارزانی بود که مسرووعه گرفت و نسبت به آن به نجر نه یا کمتر در حاکمیت، بلکه واژنومی آن از ناص بود. این نوع، بزرگ‌سرو انجام به بازی خداوند برعلاوه آمد و به دست نافر جامی توانمند انقلاب خمینی گردید. مثلاً، حاکم کبر و کف این نافر را بازگو می‌کند:



پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولات گسترده و عمیقی را در منطقه خاورمیانه و حتی در سطح جهان دوقطبی به همراه داشت. از جمله پیامدها و ویژگی‌های انقلاب اسلامی آن بود که منافع قدرتهای استکباری و به‌ویژه آمریکا را مورد تهدید قرار داد. از همین رو، حرکتها و توطئه‌های گوناگونی، با هدف از میان بردن یا به‌انحراف کشیدن انقلاب طراحی شد. که این تحركات با عنایت الهی و به برکت رهبری امام خمینی (ره) و هوشیاری مردم با شکست روبرو شدند.

طرح کودتای نوژه از جمله تلاشهایی بود که سازمان سیا، رژیم بعثی عراق، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و

تعدادی از نظامیان مخالف انقلاب اسلامی، به‌طور مشترک آن را طراحی کردند اما این طرح، پیش از دستیابی به هرگونه هدفی، کشف و با شکست روبرو شد.

شاپور بختیار، به‌همراه اوپسی و باهماهنگی برخی عناصر داخل کشور درصدد برآمدند نظر آمریکا را درباره یک کودتا جویا شوند. در بهار سال ۱۳۵۸ سرهنگ محمدباقر بنی‌عامری سازماندهی نیروها را در داخل کشور برعهده گرفت و به واسطه سرهنگ بای احمدی، یکی از افسران ارشد - تمایل خود را برای انجام این مهم به اطلاع سرویسهای جاسوسی بیگانه رساند. سازمانهای اطلاعاتی آمریکا نیز بنی‌عامری را به تشکیلات بختیار معرفی کردند و این چنین همکاری بنی‌عامری با بختیار و هواداران او در حزب مردم ایران برای پیگیری طرحهای براندازی آغاز شد. هنوز هیچ طرح مشخصی برای کودتا وجود نداشت. علت این مساله را می‌توان در گزارش دونالد پگوبین - رئیس سابق پایگاه سیا در تهران - سراغ گرفت که می‌گوید: «در صورتی که ارتش از کسی طرفداری کند، اوضاع می‌تواند صورت دیگری پیدا کند، اما آنها (ارتشی‌ها) هنوز کاملاً وحشت‌زده‌اند. انضباطشان ضعیف است و اشتیاق حرفه‌ای هم عملاً وجود ندارد. رهبران احتمالی که به نظر برسد بتوانند اعتماد به نفس را به ارتش بازگردانند هنوز پدیدار نشده‌اند.»<sup>۱</sup>

با تصرف سفارت آمریکا و شعله‌ور شدن هر چه بیشتر آتش دشمنی دولت ایالات متحده با انقلاب ایران، طرح کودتا با جدیت بیشتری دنبال شد. اما این طرح در نظر آمریکاییان، با توجه به تسخیر سفارتشان (لانه جاسوسی)، در درجه دوم اهمیت قرار داشت؛ زیرا تجاوز نظامی به ایران برای نجات گروگانها برای آنان در اولویت اول قرار گرفت. در واقع پس از ناکامی نیروهای آمریکایی در طبس بود که تمام توجه آنها به گزینه‌هایی چون کودتا یا تجاوز نظامی یک کشور همسایه جلب شد و از این پس بود که ایده آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی (شاپور بختیار) - که در پاریس اقامت گزیده بود - برای کودتا مورد توجه آمریکا قرار گرفت.

اعضای منفعل حزب ایران که وابسته به بختیار بودند در گزارشات خود به نامبرده اوضاع ایران را بسیار آشفته و مهیا

برای انجام کودتا ارزیابی می‌کردند. بنی‌عامری نیز راهی پاریس شد و در آنجا با اعضای ستاد نظامی بختیار - تیمسار امیرفضلی، سرهنگ بای احمدی، پالیزبان - و اعضای شاخه سیاسی حزب ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. بختیار در دیدارش با سفیر آمریکا و انگلیس (در پاریس)، آنان را متقاعد نمود که برنامه حمله عراق به ایران را به تعویق بیندازند<sup>۲</sup> تا ابتدا طرح کودتا که از نظر آنان شانس بیشتری برای پیروزی داشت، به امتحان گذاشته شود.

تدارک کودتا، با اهداف و زمان مشخص، در دستور کار بنی‌عامری - رهبر شاخه نظامی - قرار گرفت و سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) برای مطالعه در خصوص بررسی راههای موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد. مثلث ریاست این سازمان به این صورت شکل گرفت که شاخه نظامی به رهبری بنی‌عامری، سیاسی به رهبری قادسی و تدارکات به رهبری منوچهر قربانی فر بود.<sup>۳</sup>

اکثر اعضای شاخه سیاسی، اعضای حزب ایران و هواداران بختیار بودند. مهمترین وظیفه این شاخه هموار کردن زمینه عملیات نظامی و نیز به‌دست گرفتن قدرت سیاسی پس از کودتا بود. افراد این شاخه به نظام مشروطه سلطنتی وفادار بودند. آنان همزمان با انجام اقدامات سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، درصدد برآمدند برای کسب مشرووعیت سیاسی، برخی رجال ملی و مذهبی را نیز با خود موافق سازند.<sup>۴</sup>

شاخه تدارکات وظیفه تهیه پول، اسلحه، خانه، ماشین و دیگر لوازم مورد نیاز برای یک کودتای موفق را بر عهده داشت. پول در وهله اول از جانب کشورهای آمریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا، مستقر در پاریس، قرار می‌گرفت و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد؛ چنانکه در مدت کمتر از یک هفته این مبلغ به چیزی در حدود یکصد میلیون تومان در سال بالغ گردید.<sup>۵</sup>

شاخه نظامی ابتدا با سردادن شعارهای ناسیونالیستی و تبلیغ این هشدار که ایران با قدرتیایی روحانیون به تدریج به یک کشور عربی تبدیل می‌شود، سعی در جذب نیرو داشت. آنان پرسنل شاغل و یا پاکسازی شده ارتش را به همکاری



فراخوانند و به این افراد برای تشویق بیشتر، مبلغی پول پرداخت می‌کردند.<sup>۷</sup>

حجت الاسلام محمدی ری شهری - رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش - اعضای جذب شده شاخه نظامی را چنین برمی‌شمارد: «تعدادی از امرای اخراجی ارتش که حتی مدتی زندانی بودند، عده‌ای بازخرید شده و یا کسانی که بازنشسته شده بودند. البته [آنان] تعدادی از افراد شاغل را هم فریب داده بودند.<sup>۸</sup> بنی‌عمری رئیس شاخه نظامی با استفاده از ارتباطات خود با برخی از عناصر اطلاعاتی شاغل در اداره دوم ارتش و مامورین ساواک منحل به شناسایی و جذب افراد، اعم از شاغل، برکنار شده و تحت تعقیب می‌کرد تا از طریق تامین کادر اطلاعاتی کودتا، اولا شناسایی‌های لازم در بین نیروهای سه‌گانه نظامی میسر شود، دوما امکان تامین پوشش حفاظتی برای شبکه در برابر نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی فراهم گردد.»<sup>۹</sup>

بنابر اعترافات ستوان سیاوش پورفهمیده - از عوامل کودتا - رهبران شاخه نظامی بیشتر درصدد جذب آن دسته از افراد بازنشسته ارتش بودند که بعضاً از مشکلات مالی رنج می‌بردند.<sup>۱۰</sup> به این افراد تاکید می‌شد که افشای هرگونه اطلاعات به مرگ آنان منجر خواهد شد و لذا اکثر آنها از چگونگی انجام کودتا هیچ اطلاعی نداشتند. درواقع مقرر شده بود آنان پس از تجمع در پارک لاله و حرکت به سوی پادگان نوزده همدان، در جریان عملیات قرار گیرند.<sup>۱۱</sup>

شاخه نظامی پس از تلاشهای فراوان، موفق شد شصت خلبان و پانصدتن از افراد فنی و نظامی را برای شرکت در

عملیات جذب کند. این شاخه به سران خود قول داده بود پرواز بیش از سی هواپیما را تضمین کند.<sup>۱۲</sup>

مهمترین پایگاههای هوایی که کودتاچیان در آن حضور داشتند علاوه بر پایگاه هوایی مهرآباد در تهران، پایگاه سوم هوایی نوزده در همدان و پایگاههای وحدتی در قزوین، اصفهان و تبریز بودند.

در نیروی زمینی، بیش از همه لشکر ۱ (گارد جاویدان سابق و حوزه نفوذ اویسی) مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، لشکر ۲ و همچنین نیروی ویژه هواپرد (نوهده)، پادگان جمشیدیه، ستاد نیروی زمینی، ژاندارمری و شهرستانی نیز با کودتاگران همکاری داشتند. در خارج از تهران بیش از همه لشکر ۹۲ زرهی اهواز مورد توجه کودتاگران بود و سرهنگ عزیزمرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را برعهده داشت. مرادی پیش از آنکه با سازمان کودتای نوزده در ارتباط قرار گیرد، سعی داشت با ایجاد شاخه نظامی برای حزب پان ایرانیست تحت رهبری پزشکیور، به یک عملیات براندازی اقدام کند.<sup>۱۳</sup>

لشکر ۸۱ باختران و لشکر قزوین نیز تاحدودی با عوامل کودتا هماهنگ شده بودند. همچنین مقرر شده بود نیروهای شبه‌نظامی در روز کودتا در نقاط مختلف تهران اقدام به ایجاد آشوب و درگیری نمایند. گروههای شبه‌نظامی تا بیست و چهار ساعت می‌بایست مطابق برنامه عمل می‌کردند و پس از آن می‌توانستند عملیات را به ابتکار خودشان پیش ببرند. غیر از پارک لاله (محل تجمع اصلی)،

مقرر شده بود گروهی دیگر نیز اجرای عملیاتی را در پادگان لاهوتی (باغشاه) تهران بر عهده گیرند. براساس این طرح، مقرر بود در کل سه گروه در سه نقطه تهران (پارک لاله عباس‌آباد و نقطه‌ای در غرب تهران) دست به آشوب بزنند.<sup>۱۴</sup>

یکی از فعالیت‌های مهم شاخه سیاسی کودتا، که تا اندازه زیادی هم موفقیت‌آمیز بود - تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون بود. آنان با شناخت کامل از جامعه ایران، نسبت به نقش مذهب و مشروعیت حاصل از آن در نظر مردم غافل نبودند. لذا از همان ابتدا به مثابه دیگر نیازهای کودتا، جایگزینی یک رهبر مذهبی را به‌جای امام خمینی (ره) مدنظر داشتند و برای این منظور بهترین گزینه را آیت‌الله شریعتمداری تشخیص دادند. دو عامل سبب این انتخاب شده بود: یکی ناآرامی‌هایی که «حزب جمهوری خلق مسلمان» در حمایت از ایشان به راه انداخته بود و کودتاگران امیدوار بودند با جلب حمایت آیت‌الله شریعتمداری حمایت این حزب و اکثریت مردم استانهای آذری‌زبان را به‌دست آورند. دیگر این که بختیار زمانی که در تدارک تصدی سمت نخست‌وزیری بود، به حمایت شریعتمداری از اقدام خود در برابر حضرت امام به‌عنوان مرجع شیعیان جهان اطمینان حاصل کرده بود.<sup>۱۵</sup>

بدین ترتیب شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون برای همکاری و تایید کودتا به حساب می‌آمد.

علاوه بر وی، روحانیون دیگری مانند سیدحسن قمی، روحانی و سیدرضا زنجانی مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با شبکه کودتا قرار داشتند.<sup>۱۶</sup> حجت‌الاسلام‌المسلمین

تایید بحار

محمدی‌ری شهری حدود یک‌ماه پس از کودتا پرده از روی این مساله برداشت و عنوان کرد که تعدادی از روحانیون که جزو افراد مسئول مملکتی نیستند، در ارتباط با کودتا بوده‌اند و علاوه بر آنها بعضی آقازاده‌ها نیز با کودتا هماهنگی داشته‌اند.

این مساله برای جذب افراد جدید و کسانی که در همکاری با کودتاگران دچار تردید شده بودند، بسیار مفید واقع شد. سروان نعمتی - از عوامل اصلی کودتا - برای اقناع یکی از خلبانان که نسبت به مأموریت محوله دچار بیم و تردید شده بود، به او می‌گوید: «خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کودتا را تایید کرده‌اند»<sup>۲۷</sup> اکثر افراد، کودتا را مورد تایید روحانیون و وسیله نجات ایران و اسلام می‌پنداشتند. چنانکه ایرج رخشنده - از ساواکی‌های جذب شده به کودتا - پس از دستگیری در این ارتباط، می‌گوید: «بنی‌عمری می‌گفت با علما و روحانیونی که طرفدار آیت‌الله شریعتمداری می‌باشند، دست‌به‌دست هم داده‌ام تا یک اسلام نوین در سطح مملکت پیاده کنیم»<sup>۲۸</sup> بدین ترتیب راه هرگونه مخالفت اعضا با اهداف کودتا - که بعضا ضدانسانی و ضداسلامی بود - بسته می‌شد. بنا به اعترافات تیمسار محقق، مسئولان شاخه سیاسی در پاسخ به پرسش عوامل کودتا، مبنی بر این که در برابر واکنش مردم چه اقدامی باید انجام دهند، چون در صورت تیراندازی عده زیادی از مردم کشته خواهند شد، به آنان می‌گفتند: وقتی امام خمینی را از میان بردارند، فرد دیگری به‌جای ایشان خواهد نشست و از طریق رادیو و تلویزیون تمام آنچه را که امام گفته است، او بر غلط بودن آن فتوا خواهد داد.<sup>۲۹</sup>

تایید کودتا به وسیله یک روحانی برجسته - که توسط سران کودتا به اعضا تفهیم می‌شد - تا اندازه‌ای برای این افراد مهم بود که بسیاری از آنان شخصا به بیت ایشان مراجعه کرده و درصدد دریافت پاسخ بودند. استوار عبدالعلی سلامت - از عوامل کودتا در پایگاه همدان - در اعترافات خود اذعان می‌کند که به‌هنگام مراجعه به بیت شریعتمداری، تعدادی نظامی و خلبان را در آنجا دیده‌است که آنها نیز برای کسب اجاره «در مورد یک برنامه» به آنجا آمده بودند. هر چند وی موفق به دیدار شریعتمداری نگردید، اما از خلبانی که در آنجا بود نقل می‌کند که وی گفته‌است: «ظلم پایدار نمی‌ماند»<sup>۳۰</sup> در واقع این اقدامات سران کودتا در راستای نزدیکی جستن به روحانیون با این هدف صورت می‌گرفت که روحیه افراد را برای انجام عملیات کودتا چنان قاطعانه و خشن تقویت کنند که آنان بدون عذاب وجدان و تردید به هر عملی علیه مردم و دولت جمهوری اسلامی اقدام کنند.

باتوجه به نقش تعیین‌کننده و مهم نیروی هوایی در عملیات کودتا، تعیین پایگاهی مناسب برای آغاز عملیات ضروری بود. ویژگیهای این پایگاه در نظر ثنوریسین‌های نظامی کودتا بدین قرار بود: ۱. دارای هواپیما باشد ۲. به تهران نزدیک باشد ۳. خارج از شهر باشد ۴. عناصر مستعد و قابل جذب داشته باشند ۵. رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و امکان آن داشته باشند.<sup>۳۱</sup> در نظر کودتاگران ضربه اصلی باید به تهران زده می‌شد تا با سقوط آن به‌عنوان مرکز سیاسی - اداری کشور، دیگر شهرها نیز تسلیم شوند. بنابراین در ابتدا نظر بعضی از افراد شاخه نظامی و سیاسی بر این بود که پایگاه هوایی مهرآباد مرکز

ثقل کودتا باشد، اما نگرانی از حضور و واکنش مردم در برابر پایگاه مهرآباد آنان را واداشت تا پایگاه دیگری را که از شرایط مناسبی برخوردار باشد، انتخاب کنند. سرانجام پس از بررسی‌های نظامی و استراتژیکی، پایگاه هوایی شهید نوژه همدان - در شصت کیلومتری این شهر - برای آغاز انجام عملیات مناسب تشخیص داده شد. این پایگاه علاوه بر دوری از شهر و دوربودن از دسترس مردم، به دلیل نزدیکی به مرزهای غربی - که به علت تهاجمات پراکنده زمینی و هوایی عراق هواپیماهای پایگاه دائما مسلح بودند - به نفع کودتاگران بود. موضوع دیگری که انتخاب پایگاه هوایی نوژه را برای آغاز عملیات اولویت بخشید، این بود که تعدادی از سران کودتا، از جمله تیمسار محقق، مهدویون و سروان نعمتی در آنجا خدمت کرده بودند.<sup>۳۲</sup>

برای عملیات زمینی، علاوه بر شبه‌نظامیان طرفدار کودتا در تهران و نیز برخی یگانهای نظامی لشکر ۱ و ۲ و تیپ نوه، لشکر زرهی ۹۲ اهواز به‌عنوان مهمترین پایگاه عملیاتی کودتا معین گردید. علت انتخاب این محل، علاوه بر حضور چند تن از افسران و درجه‌داران فعال کودتا در این لشکر و امکان دسترسی به امکانات نظامی و لجستیکی، نزدیکی آنجا به مراکز نفتی و سهولت اشغال این مراکز در نخستین ساعات کودتا بود.<sup>۳۳</sup> نزدیک بودن اهواز به مرزهای عراق و کمک این کشور به کودتاچیان در صورت لزوم و همچنین وجود برخی عشایر مخالف حکومت ایران، از دیگر دلایل انتخاب این پایگاه به‌شمار می‌رفت.

اعضای شاخه سیاسی و نظامی، پس از مطالعات و بررسی‌های زیاد، اهدافی را به‌عنوان نقاط حساس و کلیدی برای بمباران و تصرف انتخاب کردند تا به قول خودشان ضربه فلج‌کننده و غافلگیرانه‌ای را به جمهوری اسلامی ایران وارد آورده و توان مقلبه و تجهیزشدن در برابر کودتاگران را از آنها بگیرند. بنابراین مهمترین این اهداف، بمباران منزل حضرت امام خمینی (ره) در جماران بود که باید به وسیله سه هواپیما با بهترین خلبانها انجام می‌شد، زیرا در نظر آنها از بین رفتن امام به معنای پایان عمر جمهوری اسلامی بود. ستوان ناصر رکنی در اعترافات خود می‌گوید: «بر سران کودتا کملا مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیلانها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد»<sup>۳۴</sup> از جمله اهداف دیگری که آنها در نظر گرفته شده بود، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، مجلس شورای اسلامی.<sup>۳۵</sup> تعدادی از پادگانهای مهم سپاه و کمیته<sup>۳۶</sup> کاخ سعدآباد (چون آنجا را محل استقرار تعدادی از چریکهای فلسطینی می‌دانستند)، انبار مهمات کمیته مرکزی روبروی حسینیه ارشاد، کمیته مستقر در خیابان وزراء، انبار مهمات پادگان لویزان<sup>۳۷</sup> و آنها هم مدرسه فیضیه قم بودند.<sup>۳۸</sup>

مرحله دوم عملیات پس از پایان یافتن بمبارانهای هوایی، با عملیات نیروی زمینی آغاز می‌شد. در این مرحله تصرف بعضی نقاط حساس پیش‌بینی شده بود. رادیو و تلویزیون به‌عنوان مهمترین و اصلی‌ترین هدف، باید به وسیله یک گروه صد تا صدوپنجاه نفری از اعضای تیپ نوه و تعدادی از ساواکی‌های اخراج‌شده تصرف می‌شد. تصرف رادیو و تلویزیون برای کودتاگران به‌اندازه‌ای حائز اهمیت بود که چنانچه عملیات تصرف موفقیت‌آمیز انجام نمی‌شد،

**اعضای منفعل حزب ایران که وابسته به بختیار بودند، در گزارشات خود به نامبرده، اوضاع ایران را بسیار آشفته و مهیا برای انجام کودتا ارزیابی می‌کردند. بختیار در دیدارش با سفرای امریکا و انگلیس (در پاریس)، آنان را متقاعد نمود که برنامه حمله عراق به ایران را به تعویق بیندازند تا ابتدا طرح کودتا که از نظر آنان شانس بیشتری برای پیروزی داشت، به امتحان گذاشته شود**

**در ابتدا نظر بعضی از افراد شاخه نظامی و سیاسی کودتاگران بر این بود که پایگاه هوایی مهرآباد مرکز ثقل کودتا باشد، اما نگرانی از حضور و واکنش مردم در برابر پایگاه مهرآباد آنان را واداشت تا پایگاه دیگری را که از شرایط مناسبی برخوردار باشد، انتخاب کنند. سرانجام پس از بررسی‌های نظامی و استراتژیکی، پایگاه هوایی شهید نوژه همدان - در شصت کیلومتری این شهر - برای آغاز انجام عملیات مناسب تشخیص داده شد**



**خلبانی که در برنامه های  
عملیاتی طراحان کودتا مامور  
بمباران بیت حضرت امام (ره)  
بود، دچار عذاب وجدان و  
تشویش شده، شب قبل از  
کودتا به منزل حضرت آیت الله  
خامنه‌ای می‌رود و موضوع را  
در آنجا بیان می‌کند**

گزارش اولی که به ما دادند، برنامه تبلیغاتی آنها مشخص و برنامه نظامی‌شان هم مشخص بود و زمان این که چه وقت می‌خواهند شروع کنند، گزارش شد. من این مساله را در شورای انقلاب مطرح کردم. معلوم شد آقای بنی‌صدر هم از کلال دیگری مطلع شده بودند که چنین عوامل نظامی مشغولند. شورا، سپاه را مسئول کرد که به همراه نیروهای مخصوصی از ارتش این جریان را تحقیق بکنند و آنها را تعقیب کردند و وضعی پیش آمد که یک بازداشت صورت گرفت و عده‌ای از عوامل بختیار بازداشت شدند و این باعث شد که برنامه‌های کودتاجیان به هم بخورد و برای مدت نامعلومی به تاخیر بیفتند. ولی شورای انقلاب در جریان بود.<sup>۳۴</sup>

بنی‌صدر - رئیس‌جمهور وقت - که بعدها رابطه وی با کودتاجیان فاش شد، اطلاعات خود را از منابعی دیگر می‌داند. او در یک سخنرانی منابع خبری خود و نحوه اطلاع از انجام کودتا را به شرح ذیل بیان می‌کند: «فرمانده سابق نیروی هوایی یک‌ماه و اندی پیش اطلاع داد که در نیروی هوایی مثلا در میان چتربازها شاید هم به صراحت از نوزه حرف زد که یک تشکلهایی در حال انجام است. این خبر را ما به دستگاه اطلاعاتی برای تحقیق و پیگیری دادیم تا اینکه حدود سه هفته پیش از این معلوم شد اینها همان کودتاگرانند و آن وقت نیروی آنها حدود هفتاد تا هشتاد نفر ارزیابی می‌شد و ده نفر آنها هم آن موقع برای ما شناخته شده بودند.»<sup>۳۵</sup> ریاست اداره دوم ارتش در آن زمان خاطرات خود را در این ارتباط چنین بیان می‌کند:

دموکراتیک و یا رژیم سلطنتی - معلوم می‌گردید.<sup>۳۳</sup> مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند که حداقل یک‌ماه پیش از موعد مقرر برای انجام کودتا، با آگاهی از کم‌وکیف آن به توسط برخی عناصر در آن نفوذ کرده بودند. پس از لو رفتن عملیات کودتا، ستاد هماهنگی خنثی‌سازی توطئه، شامل ستاد مشترکی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی هوایی شکل گرفت و قرار بود دستگیری و تعقیب توطئه‌گران توسط این ستاد انجام پذیرد.<sup>۳۴</sup> حجت‌الاسلام والمسلمین ری‌شهری، نقطه عطف کشف این توطئه را صحبت میان دو نفر در تاکسی می‌داند که پس از آن تحقیق و کشف شبکه‌های به‌نام نقاب در تیپ نوه‌د و در نتیجه دستگیری سیزده نفر در این رابطه رخ می‌دهد. اما این افراد هیچ‌کدامشان از وسعت کودتا اطلاعی نداشتند.<sup>۳۵</sup> البته ری‌شهری در جای دیگری اطلاع از کودتا را به گروهی از دانشجویان نظامی متعهد و مسلمان نسبت می‌دهد که در شبکه کودتاگران نفوذ کرده بودند و از چهار الی پنج ماه قبل از وقوع آن، به کسب اطلاعات می‌پرداختند. وی یادآور می‌شود این دانشجویان با نظر مقامات با کودتاگران همکاری می‌کردند. باین حال، حتی آنان نیز از زمان دقیق وقوع کودتا بی‌اطلاع بودند.<sup>۳۶</sup>

هاشمی‌رفسنجانی در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۲ در مصاحبه‌ای با صدای جمهوری اسلامی درباره نحوه کسب اطلاع از کودتا چنین می‌گوید: «حدود یک‌ماه‌ونیم پیش به ما اطلاع رسید که عوامل بختیار در ایران و شبکه نظامی و تبلیغاتی‌شان بر سرعت فعالیت‌های خود افزوده‌اند. در آن

می‌بایست هوایمانها آن را بمباران کرده و از بین می‌بردند. دومین هدف مهم، تصرف زندان اوین بود تا به یاری زندانیان آزاد شده طرفدار کودتا، اقدامات خود را وسعت دهند و همچنین محلی برای نگهداری افراد دستگیر شده داشته باشند.<sup>۳۷</sup> فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش، ستاد نیروی دریایی، پادگاه‌های حر، قصر و جمشیدیه از مهمترین مناطق دیگر برای تصرف بودند. پادگان قصر وظیفه پشتیبانی از کلیه مراکز تسخیر شده را برعهده داشت.<sup>۳۸</sup>

قرار بر این بود که پس از تسخیر رادیو و تلویزیون، بلافاصله به مدت سه شبانه روز حکومت نظامی اعلام شود و در طی این مدت با اعدام‌های دسته‌جمعی خیابانی و همچنین با باج‌دهی به مدافعان انقلاب و تایید کودتا به‌وسیله روحانیون همسو با آن، قدرت خود را تثبیت نمایند. شورای نظامی کشور برای تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۱ اعلامیه‌ای بدین شرح ترتیب داده بود: «همقطاران عزیز! ساعت موعود فرا رسید، ارتش وطن پرست ایران حکومت پوسیده آخوندها را برچید. کلیه واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهرداری اعلام همبستگی نمودند. هرگونه مقاومت به‌شدت سرکوب خواهد شد. آماده‌اخذ دستورات باشید.»<sup>۳۹</sup>

هدف کودتاگران برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن یک دولت صددرصد نظامی به مدت دو سال بود. شخص بختیار در این مدت فقط نخست‌وزیر ظاهری بوده و قدرت سیاسی را اداره می‌کرد. در این دوره به هیچ حزب و گروه سیاسی اجازه فعالیت داده نمی‌شد و پس از دو سال طی برگزاری انتخابات، نوع حکومت - جمهوری



اما به واسطه یکی از عناصر حزب توده که در بین کودتاجیان نفوذ کرده بود، تقریباً یک هفته قبل از کودتا از کم و کیف آن آگاه بودیم و حتی روز و ساعت انجام آن را می دانستیم. کماینکه همین خبر را به نحوی دیگر به رئیس جمهور بنی صدر هم داده بودند.<sup>۳۸</sup>

و اما نظریه مشهور به این صورت است: خلبانی که مامور بمباران بیت حضرت امام (ره) بود، دچار عذاب وجدان و تشویش شده شب قبل از کودتا به منزل حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌رود و موضوع را در آنجا بیان می‌کند. حضرت آیت الله خامنه‌ای جریان آن شب را چنین بیان می‌نماید: «یک شبی من حدود اذان صبح دیدم که در منزل ما را می‌زنند!... بیدار شدم رفتم دیدم آقای مقدم است و می‌گوید که یک ارتشی آمده با شما کار واجب دارد!... به آن ارتشی گفتم چه کار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خود شما می‌گویم و شاید بادم نیست گفت مربوط به کودتاست!... گفت: کودتایی نبیاست بشود. گفتم: تو از کجا می‌دانی؟ بنا کرد شرح دادن آن و... من دیدم مساله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری کنیم»<sup>۳۹</sup> البته همزمان با این خلبان یکی از درجه‌داران تیپ نوهده به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به این که قرار است به همراه یازده نفر دیگر در براندازی جمهوری اسلامی شرکت کند، یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد.<sup>۴۰</sup>

بااینکه روایت اخیر قریب‌به‌یقین است اما در میان رهبران و عوامل اصلی کودتا در خارج از کشور هنوز پس از سپری شدن بیش از دو دهه از آن، در مورد چگونگی اطلاع مسئولین جمهوری اسلامی از عملیات کودتا اختلاف نظر وجود دارد. برخی از دست‌اندرکاران کودتای نوزده معتقدند که یکی دو تماس تلفنی بدون اجازه در آخرین ساعات پیش از کودتا توسط یکی از عوامل از تهران با بختیار در پاریس موجب لورفتن عملیات شد.<sup>۴۱</sup>

پس از لورفتن عملیات کودتا، آنگاه نوبت به نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعم از سپاه پاسداران، کمیته و ارتش رسید تا با پیگیری این جریان تمامی افراد مرتبط با کودتا را دستگیر نمایند. به‌همین منظور در اداره دوم ارتش برای خنثی‌سازی کودتا و جلوگیری از فرار عناصر اصلی و هرگونه اقدام از جانب آنها، گروه ویژه‌ای مرکب از آقایان تیمسار احمد دادبین، سروان شهید شهرام‌فر و سروان نوری تشکیل شد تا پس از اعزام به پایگاه نوزده، با همکاری نیروهایی که از قبل در آنجا مستقر بودند، به دستگیری و مقابله با کودتاجیان اقدام نمایند.<sup>۴۲</sup> علاوه‌براین در اداره دوم ارتش نیز مرکز فعالیت‌های ضدکودتا تحت نظارت محمد رضوی شکل گرفت که مستقیماً با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تماس بود و هرگونه اقدامات مرکز در هماهنگی با آنها صورت می‌گرفت.

اولین عملیات ضدکودتا از پارک لاله تهران شروع شد که به‌عنوان محل تجمع کودتاجران برای انتقال به همدان در نظر گرفته شده بود. نیروهای سپاه پاسداران در اقدامی ضربتی موفق شدند تعدادی از آنها را دستگیر کنند. اما

عده دیگری با چند دستگاه ماشین به سمت پایگاه هوایی نوزده حرکت کردند که در سهراهی تهران - همدان در محلی واقع در یک کیلومتری پایگاه نوزده توسط افرادی از سپاه و ژاندارمری دستگیر شدند. البته در درگیری فیمابین شش نفر از کودتاجیان کشته شدند.<sup>۴۳</sup> و چون درگیری به داخل پایگاه کشیده نشد، تعداد تلفات کم بود. در نقاط دیگر، از جمله در اصفهان، دو مینی‌بوس و یک اتوبوس حامل گروهی در حدود هفتاد نفر از پرسنل پایگاه اصفهان، در مسیر حرکت به سوی پایگاه نوزده با پاسداران انقلاب اسلامی درگیر شدند که در نتیجه تعدادی از آنها کشته، دستگیر و یا متواری شدند.<sup>۴۴</sup> لشکر ۹۲ زرهی اهواز - یکی دیگر از محلهای تجمع کودتاجران - نیز با اقدام سریع نیروهای ضدکودتا از انجام هرگونه فعالیت‌ها باز ماند و تعدادی از کودتاجیان دستگیر شدند.<sup>۴۵</sup> باین حال سران اصلی کودتا و روسای سه شاخه آن موفق شدند از کشور فرار کنند. بیشتر کسانی که دستگیر شدند، از افراد شاخه نظامی بودند. وسعت توطئه و شدت عمل نیروهای انقلابی، دستگیری افراد زیادی را در پی داشت که البته عده زیادی پس از آن که بی‌گناهی آنان ثابت شد، آزاد گردیدند. از جمله این افراد، یک عده شصت نفری در کرمان بودند که هیچ ارتباطی با کودتا نداشتند.<sup>۴۶</sup> در جریان کشف و خنثی‌سازی این کودتا، دو نفر از نیروی هوایی ارتش به نامهای استوار یکم قربانی اصل و گروهان یکم اصغر خانی به شهادت رسیدند.

این کودتا، با این شکل و در آن شرایط سالهای اول پیروزی انقلاب، مسلماً برای ارتش تبعات منفی به دنبال داشت. پس از شکست کودتای نوزده، حمله‌های تبلیغاتی زیادی در داخل کشور علیه ارتش انجام شد و حتی عده‌ای پیشنهاد انحلال ارتش و جایگزینی سپاه را مطرح نمودند. در این بین شهید سرفراز دکتر چمران به‌عنوان وزیر دفاع طی بیاناتی در مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد از بی‌مهری‌هایی که در حق ارتش صورت گرفته، اقدام تعدادی از پرسنل ارتش برای انجام کودتا را با اعتقادات کلیت ارتش قابل مقایسه ندانسته و اعلام کرد این‌گونه رفتارها در حق ارتش تنها به تضعیف آن منجر شده و شادی دشمنان و خواست قلبی آنها را به دنبال خواهد داشت. سرلشکر مرحوم ظهیرنژاد نیز در آن زمان بارها و بارها نسبت به هرگونه جفا و بی‌مهری در حق ارتش هشدار داد. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدری شهری که خود به‌عنوان حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش در جریان کامل کودتا قرار داشت، در مورد تضعیف ارتش به ملت هشدار داد و گفت: «نباید ارتش را تضعیف کرد. ارتش کنونی ما از تمتهایی که به آن نسبت می‌دهند میرا است و به ارتش فعلی تهمت کم‌کاری نمی‌جسید. این همان ارتشی است که با ضدانقلاب در گنبد و کردستان و با عوامل بعث عراق، پالیزبان، بختیار، امریکا و اسرائیل می‌جنگد»<sup>۴۷</sup>

باین حال علیرغم این که ارتش، وفاداری خود را به انقلاب بارها در جریانات مختلف به اثبات رسانده بود، اما زمزمه‌ها، در تضعیف و مقابله ارتش بعد از کشف این کودتا همچنان وجود داشت. تااینکه بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در دیدار روز چهارم

مردادماه خود با سران ارتش سخنرانی مهمی در پشتیبانی از ارتش بیان داشتند. با این سخنرانی به همه انتظاماتی که از سوی برخی افراد و گروهها علیه ارتش صورت می‌گرفت، پایان داده شد. ■

### پی‌نوشت‌ها

۱. کودتای نوزده موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۰۳
۲. اسناد لانه جاسوسی، جلد ۵۵، مرکز نشر لانه جاسوسی، تهران، ۱۳۶۵، صص ۳۰۳۱
۳. کودتای نوزده همان، ص ۱۱۳
۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با مهدی کتبی شماره بازبینی‌های ۲۶۷۰ تا ۲۶۶۵
۵. کودتای نوزده همان، ص ۱۱۹
۶. کودتای نوزده همان، صص ۱۲۳ و ۱۲۲
۷. روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۱۷۱۶ شماره ۱۰۶۹
۸. مجله صفا، مرداد ۱۳۵۹، شماره ۴۴
۹. کودتای نوزده همان، ص ۱۱۵
۱۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کدهای ۵۵۵۸ و ۱۸۳۲۲ اسناد سیلوش یورفهمید
۱۱. همان، کد ۵۵۸۷
۱۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۱/۱۷۱۶ شماره ۱۰۶۹
۱۳. کودتای نوزده همان، ص ۱۱۷
۱۴. روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
۱۵. ایران و امریکا، بررسی سیاست‌های امریکا در ایران، حسن واعظی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱
۱۶. کودتای نوزده پیشین، صص ۱۲۱ و ۱۲۰
۱۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۹/۵/۱۶ شماره ۳۴۲
۱۸. کودتای نوزده همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۰
۱۹. همان، صص ۱۲۰ و ۱۱۹
۲۰. همان، ص ۱۷۹
۲۱. همان، ص ۱۴۷
۲۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کدهای ۱۸۳۵۲ تا ۱۸۳۴۹، اسناد سعید مهدیون
۲۳. روزنامه حیات نو، ۱۳۸۰/۸/۲۰، شماره ۴۲۸
۲۴. کودتای نوزده همان، ص ۱۵۴
۲۵. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۸۷، اسناد ایرج سلطان‌چی
۲۶. کودتای نوزده همان، ص ۱۵۳
۲۷. روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
۲۸. همان، ۵۹/۴/۲۴، شماره ۱۱۰۴۵
۲۹. کودتای نوزده همان، ص ۱۵۵
۳۰. همان، ص ۱۵۶
۳۱. همان، ص ۱۵۹
۳۲. روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
۳۳. روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۱، شماره ۱۱۰۴۲
۳۴. مجله صف مرداد ۵۹، شماره ۴۴
۳۵. روزنامه اطلاعات، ۵۹/۴/۲۳
۳۶. همان، ۵۹/۴/۲۳
۳۷. همان، ۵۹/۴/۲۴
۳۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با مهدی کتبی شماره بازبینی‌های ۲۶۷۰ تا ۲۶۶۵
۳۹. کودتای نوزده پیشین، صص ۱۹۲، ۱۹۱
۴۰. همان، ص ۱۹۲
۴۱. روزنامه حیات نو، ۸۰/۸/۲۰
۴۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان
۴۳. روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
۴۴. همان، ۵۹/۴/۲۲، شماره ۱۱۰۴۳
۴۵. همان، ۵۹/۴/۲۱، شماره ۱۱۰۴۲
۴۶. مجله صف مرداد ۵۹، شماره ۴۴
۴۷. روزنامه اطلاعات، ۵۹/۵/۵، شماره ۱۶۲۰۰